

The Analytical Study of Practical Solutions for the Protection of Confidential Information in Arbitration

Reza Maboudi Neishabouri*

PhD of Private Law; Assistant Professor; Private Law Department;
Ferdowsi University of Mashhad; Mashhad, Iran;
Email: maboudi@um.ac.ir

Seyed Alireza Rezaee

PhD Candidate in Private Law; Ferdowsi University of Mashhad;
Mashhad, Iran Email: alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

Received: 06, Apr. 2021 Accepted: 15, Jun. 2021

Abstract: One of the most important benefits of arbitration as a dispute resolution method is the preservation of confidential information of the disputing parties. Apart from the theoretical issues regarding the principle of confidentiality, its obligors and guaranteeing the implementation of the said principle, practical solutions for maintaining confidential information in arbitration should be considered. Due to the different demands and desires of parties, different arbitration institutions and arbitrators, variable trust of parties in the arbitrator, the different legal positions and the specific circumstances of each case, require that the various ways of enforcing the principle of confidentiality be identified for the parties and the arbitrators, and that practical solutions be offered to them in a flexible manner. In this article, an attempt has been made to study the existing solutions by analyzing the rules and procedures in arbitrations. There are several main strategies to protect confidential information in arbitration: "strategies to restrict access to confidential information", "strategies to prevent the disclosure of confidential information in the arbitration process" and "strategies to prevent the disclosure of confidential information in arbitral award". Certainly, the conclusion of this article is not to prefer any of these strategies in the field of confidentiality in arbitration over another, and even the use of a combination of such methods can further meet the needs of the parties to the arbitration in terms of maintaining confidentiality. Finally, the present article concludes that limiting the access of arbitrator to the confidential information should not impede issuing fair award, and in this regard, it is suggested that important confidential information can be available

Iranian Journal of
**Information
Processing and
Management**

Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 38 | No. 1 | pp. 57-88

Autumn 2022

<https://doi.org/jipm.38.1>



* Corresponding Author

to arbitrators or only the presiding arbitrator. Not mentioning evidence based on confidential information in the arbitral award is logical only to the extent that it does not make troubles in the stage of challenge, recognition and enforcement of the arbitral award. Restricting access to confidential information should not violate the right of the parties to fair trial, and third-party intervention to prevent disclosure of information is possible only in exceptional cases, because the arbitrator himself/herself is generally considered an impartial and expert third party. The fundamental solution is that legislators and regulators of arbitration rules should seriously include practical solutions in detail for the protection of confidential information in the mentioned regulations. At present, and before these changes are implemented, what is proposed is that these solutions can be preferably mentioned in the initial arbitration agreement or the terms of reference.

Keywords: Publication of Arbitral Award, Transparency in Arbitration, Principle of Confidentiality in Arbitration, International Commercial Arbitration, Confidential Clubs, Confidentiality Advisor

بررسی تحلیلی راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری

رضا مبعودی نیشابوری

دکتری حقوق خصوصی؛ استادیار؛ دانشگاه فردوسی
مشهد؛ مشهد، ایران؛
maboudi@um.ac.ir

سید علیرضا رضائی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی؛
دانشگاه فردوسی مشهد؛ مشهد، ایران؛
alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir



دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد پدیدآوران بوده است.

تشریح علمی | رتبه بین‌المللی
بزهنگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۲۲۲۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS، ISC، LISTA و

jjpm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۸ | شماره ۱ | صص ۵۷-۸۸

پاییز ۱۴۰۱

<https://doi.org/jipm.38.1>



چکیده: یکی از مهم‌ترین مزایای داوری به‌عنوان روش حل و فصل اختلافات، حفظ اطلاعات محرمانه طرفین دعواست. جدای از مباحث نظری در خصوص اصل محرمانگی، متعهدان آن و ضمانت اجرای اصل مذکور باید راهکارهای عملی حفظ اطلاعات محرمانه در داوری را مورد بررسی قرار دهند، زیرا وجود سلب و خواسته‌های متعدد طرفین داوری، متفاوت بودن نهادهای داوری و داوران، متغیر بودن اعتماد طرفین داوری به داور، مواضع مختلف قانونی و شرایط خاص هر پرونده اقتضا می‌کند که طرق متعدد اجرای اصل محرمانگی برای طرفین داوری و داوران مشخص گردند و از لحاظ عملی راه‌حلهایی انعطاف‌پذیر به آن‌ها پیشنهاد شوند. در این مقاله تلاش شده است که با بررسی تحلیلی قواعد و رویه‌های موجود در داوری‌ها، راه‌حل‌های موجود در این خصوص مورد مذاقه قرار گیرند. جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری چند راهکار اصلی وجود دارد: «راهکارهای محدودکننده دسترسی به اطلاعات محرمانه»، «راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داوری» و «راهکارهای مانع در زمینه تحقق محرمانگی در داوری ترجیح هیچ‌کدام از این راهکارها بر دیگری نیست و حتی استفاده از ترکیبی از این‌گونه روش‌ها بیشتر می‌تواند نیازهای طرفین داوری را در خصوص حفظ محرمانگی تأمین نماید. سرانجام این‌که مقاله حاضر به این نتیجه رسیده است که محدود کردن میزان ارائه اطلاعات محرمانه به داور از سوی طرفین دعوا باید به حدی باشد که مانع صدور رأی عادلانه نگردد و در این راستا پیشنهاد می‌شود که اطلاعات محرمانه مهم در اختیار تمامی داوران یا تنها سرداور قرار گیرد.

عدم ذکر استنادهای متکی بر اطلاعات محرمانه در رأی نیز تا آنجا منطقی است که در فرایند اعتراض و اجرای رأی داوری خللی وارد نسازد. محدود کردن دسترسی به اطلاعات محرمانه نباید ناقض حق طرفین مبنی بر داشتن دادرسی عادلانه گردد و دخالت فرد ثالث جهت جلوگیری از افشای اطلاعات، تنها در موارد استثنایی امکان‌پذیر است، زیرا قاعدتاً خود داور، فرد ثالث بی‌طرف و متخصص تلقی می‌گردد. راه‌حل بنیادین آن است که قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان قواعد داوری به‌صورت جدی و تفصیلی راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه را در مقررات مذکور درج نمایند. در حال حاضر و تا قبل از اعمال این تغییرات آنچه که پیشنهاد می‌گردد، آن است که راهکارهای مذکور ترجیحاً در توافقتنامه داوری اولیه و یا قرارنامه داوری ذکر شوند.

کلیدواژه‌ها: انتشار رأی داوری، شفافیت در داوری، اصل رازداری در داوری، داوری تجاری بین‌المللی، گروه‌های محرمانه، مشاور محرمانگی

۱. مقدمه

در دادرسی یا رسیدگی توسط دادگاه‌ها، اطلاعات محرمانه طرفین به‌طور کامل افشا می‌شود، زیرا طرفین دعوا، قضات، کارکنان اداری دادگاه، مسئول ارجاع دعاوی، وکلای طرفین و سایر اشخاص بدون هیچ محدودیتی به اطلاعات مذکور دسترسی دارند. چنین وضعیتی به‌ویژه در دعاوی تجاری بین‌المللی که اطلاعات محرمانه برای طرفین اهمیت دوچندانی دارند، مطلوب نیست. بنابراین، یکی از مهم‌ترین دلایلی که اشخاص از داوری به‌عنوان روش جایگزین حل اختلاف استفاده می‌نمایند، حفاظت از اطلاعات محرمانه خود است. به‌گواه بیان بسیاری از صاحب‌نظران حقوقی، حفظ محرمانگی یکی از مهم‌ترین مزیت‌های داوری برای طرفین دعواست (Weinstein & Wimberly 2001, 20; Redfern & Hunter 2004, 26; Noussia 2010, 67; Poorooye & Feehily 2017, 322)، اما در مقابل، جلوگیری از افشای اطلاعات مزبور نیز یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین موضوعات مطرح در خصوص داوری است. در ایران دکترین و نویسندگان مختلفی به بررسی موضوع محرمانگی در داوری پرداخته‌اند و از لحاظ نظری مفهوم، متعهدان و ضمانت اجرای این اصل را مورد مذاقه قرار داده‌اند. اما نوآوری مقاله حاضر، بررسی تحلیلی نحوه اجرای عملی اصل محرمانگی در داوری است. ابهام اصلی در خصوص حفظ محرمانگی در داوری، نحوه حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری است، زیرا به هر حال باید مشخص گردد که چگونه داور و طرفین داوری می‌توانند محرمانگی را در فرایند داوری حفظ نمایند. اثبات لزوم محرمانگی در فرایند داوری یا توافق طرفین بر محرمانگی در داوری گرچه ارزشمند است، اما بدون

ارائه راهکار یا راهکارهایی جهت تحقق محرمانگی نمی‌تواند مشکلات داور و یا اطراف داوری را در این حوزه رفع نماید. باید طرفین داوری و داور بتوانند جهت حفظ محرمانگی از راه‌حل‌های مختلفی استفاده کنند، زیرا از طرفی اصل لزوم رعایت محرمانگی در داوری مطرح است و از طرف دیگر، نیاز داور به اطلاعات محرمانه، لزوم اجرا و اعتراض به رأی داوری و چندین مصلحت دیگر نیز وجود دارد که نحوه تصمیم‌گیری در این خصوص را دشوار می‌سازد. راهکارهای عملی متنوعی در رویه قضایی داوری‌های تجاری بین‌المللی جهت حفظ محرمانگی اعمال می‌شود که هر کدام از این روش‌ها دارای مزایا و معایبی است و باید در هر پرونده با توجه به شرایط خاص آن مورد استفاده قرار گیرد. در تمامی این راه‌حل‌ها، تلاش می‌شود تا میان حفظ محرمانگی اطلاعات و افزایش امنیت فرایند داوری با حق بررسی مستندات و مدارک توسط طرفین و داور تعادل ایجاد گردد. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است راهکارهای عملی موجود در دکتین و رویه قضایی داوری‌های تجاری بین‌المللی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته و محاسن و معایب آن‌ها به بحث گذاشته شود تا داوران و فعالان عرصه داوری بتوانند از بین راهکارهای موجود، حسب مورد، راهکار مطلوب خود را انتخاب نمایند.

شایان ذکر است که مقررات داوری در حقوق ایران به صراحت به موضوع محرمانگی در داوری نپرداخته‌اند و این مسئله نقش توافق طرفین و انتخاب راهکارهای عملی مناسب توسط ایشان را روشن‌تر می‌سازد. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که بر داوری‌های داخلی حاکم است، هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص محرمانه بودن داوری پیش‌بینی نکرده است. افزون بر این، قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ نیز شامل قواعدی در این خصوص نیست (شیروی ۱۳۹۱، ۱۵؛ جنیدی ۱۳۷۸، ۱۸؛ نیکبخت ۱۳۹۰، ۲۲؛ تقی‌پور ۱۳۹۲، ۳۲۱؛ اسدی‌نژاد و مهدوی‌فر ۱۳۹۱، ۱۳۹۶).

راهکارهای موجود جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه را می‌توان به سه مقطع تقسیم نمود: گاهی طرفین دعوا باید در ارائه اطلاعات محرمانه احتیاط کنند و اطلاعات مذکور را به نحوی ارائه نمایند که افشا نگردند. متعاقباً در صورت اهمیت اطلاعات محرمانه و ضرورت ارائه آن‌ها باید از راهکارهایی استفاده نمود تا اطلاعات مذکور در فرایند رسیدگی داوری در دسترس سایر افراد قرار نگیرد. همچنین، داور در انتهای فرایند داوری و در زمان صدور رأی نیز باید ملاحظاتی را رعایت نماید که اطلاعات محرمانه از طریق رأی

داوری افشا نگردد. بنابراین، این مقاله جهت تبیین راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری را در سه مبحث اصلی با عناوین، «راهکارهای محدود کننده دسترسی به اطلاعات محرمانه»، «راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داوری» و «راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در رأی داوری» موضوع مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در عرصه بین‌المللی، ادبیات حقوقی غنی پیرامون اصل محرمانگی در داوری شکل گرفته است و می‌توان ادعا نمود که در تمامی آثار مطرح مربوط به داوری مثل Gaillard (2004), Redfern & Hunter (2004), Onyema (2010), Kurkela (2010), Savage & Byrnes (1999) بخشی به تبیین اصل محرمانگی اختصاص یافته است. همچنین، کتب و مقالات متعددی مثل Cremades (2017), Feehily & Poorooye (2017), Oglinda (2015), Noussia (2010), Cortes (2013) نیز به صورت خاص اصل محرمانگی در داوری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. افزون بر این، چند مقاله به بررسی راهکارهای عملی موجود جهت رعایت اصل محرمانگی در داوری پرداخته‌اند. برخی از نویسندگان مانند Baizeau & Richard (2016) راهکارهای مورد استفاده اتاق بازرگانی بین‌المللی در پرونده‌های داوری جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه را بررسی کرده و برخی دیگر از حقوق دانان مانند Bernet & Gottlieb (2016) وظایف داور را در زمان صدور رأی داوری جهت عدم افشای اطلاعات محرمانه بر شمرده‌اند. افزون بر این، یکی دیگر از محققان، Derains (2009) به ملاحظات محرمانگی در خصوص ادله ابرازی توسط طرفین دعوا پرداخته است.

آثار پژوهشی اخیر الذکر، برخی از راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری را ذکر کرده‌اند، اما حوزه بررسی آن‌ها محدود است. به عنوان مثال، Baizeau & Richard (2016) این راه‌حل‌ها را در رویه یک سازمان داوری خاص بررسی کرده است. در مقابل، در پژوهش حاضر راهکارهای مذکور به صورت تجمیعی و از تمامی جنبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

اصل محرمانگی در داوری مورد توجه محققان و پژوهشگران در ایران نیز قرار گرفته و آثار ارزشمندی در این خصوص به رشته تحریر درآمده است. برخی از این مقالات «درویشی هویدا (۱۳۹۲)» و «تقی‌پور» (۱۳۹۱) اصل محرمانگی و حدود و ثغور آن را

به تفصیل مورد بررسی قرار داده و مطالبی را در خصوص مبانی، شرایط اعمال، متعهدان، ضمانت اجرا، استثنائات و رویکرد مقررات ملی و بین‌المللی در مورد اصل مذکور عنوان نموده‌اند. همچنین، در پژوهش «مهری و مشهدی‌زاده» (۱۳۹۹) استثنائات اصل محرمانگی به صورت تفصیلی مطالعه شده است. افزون بر این، ارتباط اصل محرمانگی با اصول شفافیت و خصوصی بودن در داوری در آثار دیگری مانند «اسکینی و خاکپور» (۱۳۹۸) و «خزاعی» (۱۳۸۸) مورد مذاقه قرار گرفته است. برخی نویسندگان از جمله «خادم رضوی و راستگو خیابویی» (۱۳۹۹) امکان اعمال اصل محرمانگی را در دعاوی سرمایه‌گذاری بررسی کرده‌اند. آثار پژوهشی مذکور به شایستگی اصل محرمانگی در داوری را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، اما آنچه مورد غفلت واقع شده، تبیین راهکارهای عملی اجرای اصل مذکور است. در تمامی قواعد و مقررات مربوط به داوری تنها به لزوم رعایت اصل محرمانگی در داوری، استثنائات آن و غیره تأکید شده، اما نحوه اجرای این اصل به تشخیص داور و طرفین دعوا سپرده شده است. به عنوان مثال، در شرایطی که مدرکی حاوی اطلاعات محرمانه بوده و جهت تعیین نتیجه دعوا مورد نیاز داور نیز باشد، باید راهکارهایی عملی به طرفین پیشنهاد شود که افزون بر عدم افشای اطلاعات محرمانه، در فرایند رسیدگی داوری نیز خللی ایجاد نگردد. با توجه به ضرورت مذکور، مقاله حاضر راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری را مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهد.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر مرور روشمند^۱ است. در این روش پس از شناسایی مطالعات موجود در یک موضوع خاص، یافته‌های آثار پژوهشی پیشین به عنوان نوعی تحلیل دوباره مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، به سؤالات اساسی و مهم پاسخ داده می‌شود. در مقاله حاضر نیز آثار موجود در خصوص اصل حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری مورد بررسی قرار گرفتند و با توجه به مطالعات مذکور، راهکارهای عملی جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه بررسی و تحلیل شدند. ابتدا، جست‌وجوی منابع مورد نیاز از طریق بانک اطلاعاتی «هاین آنلاین»^۲ (جامع‌ترین بانک اطلاعاتی جست‌جوی آثار پژوهشی در

1. systematic review

2. Hein Online

علم حقوق) و «لکسیس نکسیس»^۱ صورت گرفت. پس از استخراج منابع مناسب اهداف پژوهش، داده‌های عمومی آن‌ها از جمله عنوان، نویسنده، سال چاپ، یافته‌های مقاله استخراج گردید. در ادامه، با استفاده از معیارهای «برنامه مهارت‌های ارزیابی»^۲ مثل اعتبار مرجع چاپ‌کننده، میزان ارجاع، سال انتشار، به‌روز بودن، امکان بسط دادن نتایج، میزان دقت در تجزیه اطلاعات و وضوح بیان، آثار پژوهشی موجود از جهات مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس، اطلاعات مربوط به محرمانگی در داوری و راهکارهای عملی پیشنهادی در این زمینه از آثار مذکور استخراج شدند. اطلاعات استخراج‌شده با توجه به ضوابط و شرایط اصل محرمانگی و مقررات و قواعد مرتبط مورد تحلیل قرار گرفتند. سرانجام، اطلاعات استخراج‌شده و تحلیل‌های مرتبط با آن تحت عنوان کلی «راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه در داوری» ترکیب شده و ذیل سه عنوان اصلی «راهکارهای محدودکننده دسترسی به اطلاعات محرمانه»، «راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داوری»، و «راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در رأی داوری» به رشته تحریر درآمدند. نتایج حاصل از این مقاله می‌تواند به تمامی اشخاص جامعه که در فرایند داوری دخیل هستند یا دخیل خواهند بود و همچنین، قانونگذاران جهت تقنین مقررات کارآمد در این حوزه کمک شایانی نماید.

۴. راهکارهای محدودکننده دسترسی به اطلاعات محرمانه

طرفین دعوا باید ملاحظات را در ارائه اطلاعات رعایت نمایند، زیرا مطمئن‌ترین راه جهت جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه آن است که ابتدا این اطلاعات به هر شخصی ارائه نشود یا به‌صورت محدود ارائه گردد و در صورتی که اطلاعات محرمانه توسط طرفین داوری ارائه شود و متعاقباً اطلاعات مذکور در فرایند داوری مطرح گردد، به نظر نمی‌رسد بتوان عدم افشای این اطلاعات را به‌طور قطع تضمین نمود. بنابراین، گاهی بهترین راه‌حل برای حفظ اطلاعات محرمانه، محدود کردن دریافت‌کنندگان اطلاعات محرمانه به گروهی خاص از افراد است. این افراد محدود، گروه محرمانه^۳ نامیده می‌شود که به اطلاعات محرمانه دسترسی دارند (Bernet & Gottlieb 2016, 95; Cook & Garcia 2010). در برخی موارد تنها داور یا داوران حق دسترسی به اطلاعات محرمانه را دارند، اما در

1. LexisNexis

2. Appraisal Skills Program

3. Confidentiality Clubs

شرایط دیگر ممکن است این امکان برای سایر اشخاص دخیل در داوری نیز فراهم گردد. علاوه بر محدود کردن اشخاص دارای حق دسترسی به اطلاعات محرمانه، راهکارهای تعیین اطلاعات لازم جهت ارائه به اشخاص مذکور نیز باید بررسی شوند. بنابراین در مجموع، راهکارهای محدودکننده دسترسی به اطلاعات محرمانه، در دو بخش اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد: «کنترل میزان دسترسی داوران به اطلاعات محرمانه» و «کنترل میزان دسترسی سایر اشخاص دخیل در داوری به اطلاعات محرمانه».

۴-۱. کنترل میزان دسترسی داوران به اطلاعات محرمانه

تعیین امکان یا ممنوعیت محدود کردن دسترسی داور یا داوران به اطلاعات محرمانه، موضوعی بسیار مهم و دارای آثار جدی در داوری است. از جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه، عدم ارائه اطلاعات مذکور به داور، مانع ورود این اطلاعات به فرایند داوری و متعاقباً جلوگیری از دسترسی سایر اشخاص است. در همین راستا در بند ۵ ماده ۷ قواعد شفافیت «آنستیرال»^۱ مصوب سال ۲۰۱۳، به دولت خواننده اجازه داده شده است که اطلاعات دارای وصف امنیتی را به دیوان داوری ارائه نکند. به عنوان مثال، ممکن است هر یک از طرفین دعوا هنگام ارائه مستندی قسمت‌های محرمانه آن را با کشیدن خط سیاه پنهان کند تا امکان افشای اطلاعات محرمانه مدرک مزبور متنفی شود. در مقابل، برخی نویسندگان مانند Yeung (1995, 194) در نقد محدود کردن دسترسی داور به اطلاعات محرمانه بیان داشته‌اند که چنین رویه‌ای باعث می‌شود طرفین دعوا صرفاً اطلاعات مد نظر خود را ارائه دهند و ممکن است برخی از اطلاعات مهم برای مقام رسیدگی کننده پنهان بماند. در واقع، از طرفی عدم ارائه مطلق اطلاعات محرمانه توسط طرفین دعوا به داور روش مناسبی نیست و از طرفی، راه‌حل‌های جایگزین نیز با توجه به سپردن قدرت تصمیم‌گیری به افرادی غیر از طرفین دعوا در خصوص تعیین محرمانه بودن یا نبودن اطلاعات نمی‌توانند، مورد اتخاذ قرار گیرند. بنابراین، باید روشی ارائه شود که به بیان برخی نویسندگان از جمله Poorooye & Feehily (2017, 321) میان لزوم محرمانگی و ضرورت شفافیت در داوری تعادل ایجاد نماید و میان تضمین‌هایی که به طرفین دعوا جهت حفظ اطلاعات محرمانه داده می‌شود و ضرورت حفظ برابری و عدالت در داوری تناسب برقرار گردد. نه محرمانگی

1. UNCITRAL Rules on Transparency in Treaty-based Investor-State Arbitration (the "Rules on Transparency")

به‌طور کامل مطلوب است و نه شفافیت کامل از لحاظ اجرایی امکان‌پذیر است و قائل بودن به شفافیت زیاد در فرایند داوری یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های داوری را برای طرفین دعوا منتفی می‌سازد.

برای برقراری تعادل میان لزوم رسیدگی عادلانه با تأمین منافع طرفین دعوا در خصوص حفظ اطلاعات محرمانه، راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد شده است. یک راهکار آن است که اطلاعات محرمانه صرفاً در اختیار سرداور قرار گیرد و داورهای منتخب طرفین به چنین اطلاعاتی دسترسی نداشته باشند (Derains 2009, 20-22). در برخی پرونده‌ها که اطلاعات بسیار حساس هستند و تردیدهایی در خصوص استقلال داور منتخب یکی از طرفین مطرح است و همچنین احتمال فاش شدن اطلاعات به طرف مقابل توسط داور مذکور وجود دارد، ممکن است سرداور پیشنهاد نماید که خود اسناد را بررسی نموده یا مسئول اداری مرجع داوری این اقدام را انجام دهد. در نقد این راه‌حل باید بیان داشت که محروم کردن سایر داوران از اطلاعات محرمانه در صورتی که این اطلاعات در نتیجه پرونده مؤثر باشند، باعث می‌گردد سرداور نیز که در اقلیت است، نتواند با توجه به بررسی مفاد اطلاعات محرمانه، تأثیرگذاری خاصی در نتیجه داوری داشته باشد. بنابراین، بهتر است سرداور به‌عنوان فردی بی‌طرف اطلاعات محرمانه مهم و غیرمهم را معین کرده و متعاقباً اطلاعات محرمانه مهم در اختیار سایر داوران نیز قرار گیرد. در نتیجه، هم تمامی اطلاعات محرمانه نزد داوران اختصاصی طرفین افشاء نمی‌شود و هم رأی داوری با بررسی اطلاعات محرمانه مهم توسط تمامی داوران صادر می‌گردد.

راهکار دیگر آن است که با توجه به این که عدم ارائه اطلاعات مهم محرمانه می‌تواند باعث جلوگیری از انجام رسیدگی به‌صورت جامع و عادلانه شود، برای رفع این نگرانی میان اطلاعات مهم و غیرمهم تفکیک نمود و در صورتی که اطلاعات محرمانه تأثیری در تصمیم‌گیری داور ندارد و نسبت به پرونده حاضر بی‌اهمیت تلقی می‌شود، محدود شدن دسترسی داوران به اطلاعات مذکور روشی منطقی است. یکی از مشکلات روش فوق، مشخص نبودن نحوه انتخاب اطلاعات مهم یا غیرمهم است. نظرات مختلفی در خصوص مرجع این انتخاب ارائه گردیده و در عمل، راه‌های مختلفی جهت حل این مسئله وجود دارد. یک راه‌حل این است که مرجع داوری مجاز باشد تا اطلاعات محرمانه را جهت پنهان‌سازی مشخص نماید (Baizeau & Richard 2016, 55; Bernet & Gottlieb 2016, 88-89). باید توجه داشت که تعیین مهم بودن یا نبودن اطلاعات توسط داور، لزومی به

دسترسی وی به اطلاعات ندارد و در بسیاری از موارد داور بدون بررسی اطلاعات محرمانه نیز می‌تواند تشخیص دهد که در دعوا چه اطلاعاتی دارای اهمیت نیست.

بهترین رویکرد برای تعیین میزان اهمیت اطلاعات و دسترسی به داوران به آن‌ها را شاید بتوان در نظریه‌ای^۱ که ریشه در حقوق «ایالات متحده آمریکا» دارد، یافت. این نظریه در پرونده «هیگمان تیلور»^۲ مطرح گردید (Poorooye & Feehily 2017, 316). طبق نظریه مذکور جهت احراز محرمانه بودن یا نبودن اطلاعات، ابتدا در صورت اثبات محرمانه بودن اسناد و لزوم محافظت از آن‌ها توسط مدعی، اصل بر عدم افشای اطلاعات محرمانه به داور یا طرف مقابل قرار می‌گیرد؛ مگر این که طرف درخواست‌کننده افشای اطلاعات بتواند دلیل یا ضرورت دسترسی به آن‌ها را با استناد به وجود شرایط زیر اثبات نماید (Henkel 2012, 1097-1099). این شرایط عبارت‌اند از این که اولاً وجود یک ضرورت مهم برای دسترسی به آن اطلاعات و ثانیاً دشواری امکان دسترسی به چنین اطلاعاتی از سایر طرق اثبات گردد. این دو شرط را می‌توان به‌عنوان اصل نیاز اساسی و اصل دشواری ناروا نامید. به‌طور خلاصه، راه‌حل مذکور بیان می‌دارد که در اصل، اسناد مورد درخواست داور غیرمحرمانه هستند و مدعی محرمانه بودن مدارک و اسناد باید ادعای خود را در آغاز اثبات نماید و در صورت موفقیت وی در اثبات ادعای خود، طرف مقابل باید با استفاده از شروط مذکور، ضرورت افشای این اطلاعات محرمانه را آشکار ساخته و ثابت کند که محتوای اسناد مذکور تأثیر جدی بر سرنوشت دعوا داشته و وی از طریق معمول امکان دسترسی به این اسناد را ندارد. برخی پژوهشگران مانند (Poorooye & Feehily 2017, 316) معتقدند که با استفاده از این نظریه، افزون بر این که اطلاعات محرمانه مهم در اختیار داور قرار می‌گیرد، تمامی اطلاعات محرمانه افشا نمی‌شود و همچنین، این خود طرفین دعوا هستند که به‌وسیله ارائه دلایل و مدارک خود در تعیین مهم بودن یا نبودن اطلاعات محرمانه نقش اساسی دارند.

۴-۲. کنترل میزان دسترسی سایر اشخاص دخیل در داوری به اطلاعات محرمانه

افزون بر داور، اشخاص دیگری نیز در داوری دخیل هستند؛ مثل طرفین دعوا، وکلای آن‌ها، کارشناسان و سایر اشخاص. جهت کنترل میزان دسترسی اشخاص مذکور

۱. این رویکرد در دکتین حقوقی به نظریه «Work-product» مشهور است.

2. Hickman v. Taylor, 329 U.S. 495 (1947).

به اطلاعات محرمانه، در هر پرونده باید «گروه محرمانه» توسط طرفین تعریف شده و اطلاعات محرمانه تنها در دسترس اشخاص خاصی قرار گیرد. برای تشکیل این گروه‌ها نیاز به همکاری مختصر میان طرفین وجود دارد (Cook & Garcia 2010, 265). باید در تعیین ترکیب اشخاص گروه محرمانه، دقت و حساسیت زیادی توسط طرفین داوری و مرجع داوری در صورت داشتن اختیار تعیین ترکیب گروه محرمانه، صورت گیرد. از یک طرف نباید با موسع نمودن افراد گروه محرمانه باعث افزایش احتمال افشا شدن اطلاعات محرمانه گردید و از طرفی نیز محدود کردن افراد گروه محرمانه به شدت موجب ایجاد اختلال در فرایند رسیدگی داوری می‌گردد (Baizeau & Richard 2016, 58).

به‌طور کلی، ترکیب اشخاص گروه محرمانه وفق روش‌های زیر است. گاهی رویکردی بسیار محتاطانه در خصوص تعیین اشخاص گروه محرمانه اتخاذ می‌شود و هیچ‌کدام از اشخاص دخیل در فرایند داوری حق دسترسی به اطلاعات محرمانه را ندارند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای در اتاق بازرگانی بین‌المللی که موضوع اصلی دعوا میان دو رقیب صنعتی در خصوص سوءاستفاده از اطلاعات اختصاصی بود، دیوان داوری دستور حفاظتی بسیار جامعی صادر نمود و افشای اطلاعات محرمانه را به وکلای طرفین، کارشناسان، مشاوران، شهود، خبرنگاران دادگاه و خود دیوان داوری محدود نمود. روش دیگر، وضعیتی است که افشای اطلاعات محرمانه فقط به مرجع داوری امکان‌پذیر باشد (Baizeau & Richard 2016, 57). چنین روشی از لحاظ کم کردن احتمال افشای اطلاعات محرمانه بسیار مفید است، اما از طرف دیگر، با این روش تأثیر اطلاعات ارائه‌شده در فرایند داوری کاهش یافته و امکان بررسی اطلاعات مذکور به‌صورت دقیق از بین می‌رود، زیرا در بسیاری از موارد مرجع داوری به‌تنهایی و بدون کمک وکلای طرفین و کارشناسان نمی‌تواند تحلیلی مفصل و دقیق از اطلاعات داشته باشد.

در برخی پرونده‌ها طرفین این‌گونه مقرر می‌کنند که امکان دسترسی فقط برای مرجع داوری و وکلای طرفین وجود داشته باشد. این راه‌حل در همه موارد مورد قبول نیست، زیرا وکلا به‌تنهایی نمی‌توانند اطلاعات را تجزیه و تحلیل نمایند و به‌ویژه زمانی که اطلاعات مذکور پیچیده یا فنی بوده، وکلا نیازمند دریافت راهنمایی از موکلین یا کارشناسان هستند. همین مشکلات زمانی که فقط مرجع داوری و کارشناسان به اطلاعات دسترسی دارند، ایجاد می‌گردد، زیرا امکان اعتراض به نظریه کارشناسان برای طرفین داوری به‌دلیل عدم دسترسی وکلای آن‌ها به اطلاعات بسیار سخت می‌شود و حتی شاید حق دادرسی طرفین

نقض گردد (Waincymer 2012). بسته به نوع و ماهیت دعوا، محدود کردن گروه محرمانه به وکلا و کارشناسان طرفین شاید کافی نباشد، زیرا کارشناسان و وکلا نیاز دارند که راهنمایی‌هایی را از طرفین دریافت کنند و یا در خصوص برخی واقعات خاص موجود در دعوا فقط شفاف‌سازی توسط طرفین دعوا امکان‌پذیر است. بنابراین، شاید نیاز باشد طرفین یا یکی از نمایندگان طرف مقابل مثل مشاور یا متخصصین شرکت طرف مقابل در گروه محرمانه حضور داشته باشند (Drains 2009, 28).

روش دیگر، اعطای دسترسی اطلاعات محرمانه به گروهی از افراد است که به صورت کلی توصیف شده‌اند. چنین تعریفی برای شهود، کارشناسان و مشاوران حقوقی ممکن است در برخی موارد ایجاد مشکل نماید و تعریف ارائه شده نسبت به منصوبان طرفین باید دقیق‌تر باشد. در یکی از پرونده‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص داروسازی خواهان قبول کرد که کارکنان و مدیران خوانده به اطلاعات محرمانه دسترسی داشته باشند. در تعریف افراد مذکور این‌گونه بیان شده بود که: افرادی که دخیل هستند و یا مسئول تصمیم‌گیری در ارتباط با داوری حاضر هستند، حق دسترسی به اطلاعات را دارند (Baizeau & Richard 2016, 60). استفاده از چنین عبارات کلی با توجه به ایجاد اختلاف میان طرفین داوری به هیچ عنوان توصیه نمی‌گردد و چنین رویکردی باعث اطاله فرایند رسیدگی در داوری خواهد گردید. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که امکان دسترسی به اطلاعات محرمانه توسط مرجع داوری، وکلا و کارشناسان و محدود کردن دسترسی طرفین به این اطلاعات بیشتر مورد استقبال فعالان داوری قرار گرفته است. در این روش هم طرفین دعوا به اطلاعات محرمانه دسترسی ندارند و هم مرجع داوری می‌تواند با کمک کارشناسان و وکلای طرفین رسیدگی کامل و دقیقی را نسبت به اطلاعات محرمانه داشته باشد.

۵. راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داوری

در بخش قبل مشخص گردید که با توجه به مهم بودن برخی اطلاعات جهت تعیین نتیجه دعوا، در بسیاری از موارد اطلاعات محرمانه ناگزیر توسط طرفین دعوا در اختیار داوران یا سایر اشخاص دخیل در فرایند داوری قرار می‌گیرد. در این صورت باید راهکارهایی ارائه شود که پس از ارائه اطلاعات محرمانه، اطلاعات مذکور در فرایند داوری افشا نشود. این است که با توجه به همکاری طرفین دعوا و ارائه اطلاعات محرمانه مهم

باید راهکارهایی اتخاذ شوند که از افشای اطلاعات محرمانه در زمان رسیدگی به دعوا جلوگیری نمایند. راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داور، وفق عناوین زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند: «استرداد یا از بین بردن اسناد»، «بررسی محدود اطلاعات محرمانه»، «محدود کردن ارجاع در مستندات کتبی ثبت شده در فرایند داور» و «دخالت اشخاص ثالث».

۵-۱. استرداد یا از بین بردن اسناد

پس از دریافت اطلاعات محرمانه از طرفین و حتی در صورت پایان رسیدگی داور، ضرورت حفظ محرمانگی باقی است و اطلاعات محرمانه همچنان باید از افشا محافظت شوند (Joslin 1985, 133). پس از استفاده از اطلاعات محرمانه، مستندات ارائه شده و کپی‌های موجود از آن‌ها باید مسترد یا نابود گردند (Drains 2009, 19; Baldwin 1996, 459)، زیرا استرداد و نابودی مدارک محرمانه این اطمینان نسبی را ایجاد می‌کند که مدارک مذکور در آینده افشا نخواهند گردید. در این روش راهی وجود ندارد که اطمینان کامل حاصل نمود که تمامی کپی‌های مدارک محرمانه مسترد یا نابود شده‌اند و ممکن است افراد دخیل در فرایند داور کپی‌های متعددی از آن‌ها اخذ کرده یا با ذخیره کردن نسخه الکترونیکی مدارک محرمانه سال‌ها به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.

مسئله اصلی در خصوص این روش، زمان استرداد یا نابودی است. از یک طرف، ضرورت نابودی یا استرداد هر چه سریع‌تر مدارک جهت حفظ محرمانگی وجود دارد و از طرف دیگر، ضرورت حفظ مستندات که ممکن است جهت اجرای رأی داور یا اعتراض به آن نیاز باشد، باید رعایت گردد. یک راه‌حل آن است که مستندات تا زمان تعیین تکلیف موضوع اعتراض یا اجرای رأی داور حفظ شود. در پرونده‌ای در خصوص ارتباطات در اتاق بازرگانی بین‌المللی، وکلای طرفین متعهد شدند که پس از اتمام داور از اسناد استفاده نکرده و آن‌ها را نابود کنند، مگر این که مستندات مذکور جهت اجرای رأی داور یا اعتراض به آن مورد نیاز دادگاه باشد (Baizeau & Richard 2016, 61).

راه‌حل دیگر، تعیین دوره‌های زمانی برای دریافت کنندگان مختلف اطلاعات محرمانه و به‌ویژه اختصاص مهلت بیشتر برای وکلای طرفین است. در پرونده‌ای دیوان داور دستوری مفصل صادر نمود که برای نابودی اسناد محرمانه، میان وکلای خواهان و دیگران (طرفین، متخصصان، شهود، دیوان داور و سایر اشخاص) تفاوت قائل شده بود و به

و کلای خواهان اجازه داده بود تا سه سال بعد از صدور رأی نهایی داوری اسناد محرمانه را نزد خود نگاه دارند؛ در حالی که برای دیگران این مهلت ۳۰ روز تعیین شده بود. همین رویکرد در پرونده‌ای دیگر در اتاق بازرگانی بین‌المللی در حوزه ارتباطات اتخاذ شد. در این پرونده تمامی اسناد محرمانه باید پس از اتمام فرایند رسیدگی نابود می‌شدند، اما وکلا حق داشتند که اسناد محرمانه را تا ۱۰ سال حفظ کنند (Baizeau & Richard 2016, 62). در توافق طرفین یا دستور مرجع داوری در خصوص تعیین زمان مشخص بعد از صدور رأی جهت استرداد یا نابودی مدارک، باید احتمال رفع اختلاف و صلح طرفین دعوا قبل از صدور رأی در نظر گرفته شود. در پرونده‌ای در اتاق بازرگانی بین‌المللی این‌گونه مقرر شده بود که طی ۶۰ روز پس از صدور رأی نهایی داوری یا صلح طرفین، وکلای خواننده باید به‌صورت کتبی به وکلای خواهان اعلام نمایند که تمامی اسناد محرمانه و کپی آن‌ها به خواهان یا وکلای آن مسترد شده یا نابود گردیده است (Baizeau & Richard 2016, 62-63). بنابراین، به نظر می‌رسد که در این حالت، اسناد مذکور در صورت تمایل صاحب اسناد و مدارک، هم‌زمان با توافق طرفین جهت خاتمه دعوا مسترد یا نابود می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد روش مناسب آن است که بر اساس توافق طرفین یا دستور داور، مقطعی در بازه زمانی میان صدور رأی تا مدتی بعدتر مشخص شود که در انتهای آن باید اسناد و مدارک مسترد یا نابود گردند. با استفاده از چنین روشی مهلت مقتضی به طرفین داوری جهت اجرای رأی داوری یا اعتراض به آن داده می‌شود و طرفین داوری در صورت انقضای مهلت مذکور و استرداد یا نابودی اسناد و مدارک نمی‌توانند به این امر اعتراضی داشته باشند، زیرا عدم اقدام در مهلت اعطاشده متوجه تقصیر خود آن‌هاست. با استفاده از این روش، جدا از اعطای مهلت مناسب جهت اجرا یا اعتراض به رأی داوری، استرداد یا نابودی اسناد محرمانه نیز با تأخیر بسیار زیادی انجام نمی‌گیرد و دارای یک بازه زمانی مشخص است.

۲-۵. بررسی محدود اطلاعات محرمانه

راهکار دیگر جهت جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه در فرایند رسیدگی داوری، بررسی محدود اطلاعات در مکانی مشخص و با سلب یا محدود نمودن حق یادداشت‌برداری، تهیه کپی، اخذ تصویر و یا فیلم صورت می‌گیرد (Drains 2009, 21). با این توضیح که بررسی مدارک ممکن است در یک مکان بی‌طرف مثل دفتر سرداور یا

دفتر یکی از وکلای حتی یکی از طرفین دعوا یا کارشناسان با تأمین امنیت کافی صورت گیرد. نویسندگانی مانند (Baizeau & Richard 2016, 63) با ذکر نمونه پرونده‌هایی چگونگی استفاده از این روش را توضیح داده‌اند. در پرونده‌ای که نیاز به بررسی علائم تجاری وجود داشت، دیوان داوری جهت بررسی اطلاعات توسط کارشناس دستور ایجاد یک اتاق جهت بررسی اطلاعات محرمانه صادر نمود. در پرونده‌ای دیگر در اتاق بازرگانی بین‌المللی برای جلوگیری از انتشار اطلاعات در خارج از داوری، بررسی کپی فیزیکی از اطلاعات در یک اتاق با بررسی محافظت‌شده از اطلاعات الکترونیک ترکیب شده بود؛ زیرا طرفین و وکلای آن‌ها در مکان‌های متفاوت و دور از هم قرار داشتند.

۳-۵. محدود کردن ارجاع در مستندات کتبی ثبت‌شده در فرایند داوری

هدف و اساس تمام روش‌های حفظ اطلاعات محرمانه جلوگیری از افشای رازهای تجاری و اطلاعات حساس است. بنابراین، با ذکر این اطلاعات در لوایح طرفین، استشهادهای شهود و یا نظریه کارشناسی، تمام روش‌های فوق بی‌فایده خواهند شد. جهت تأمین مصلحت مذکور، این روش‌ها اغلب با دستوری مبنی بر محدود کردن ارجاع به اطلاعات محرمانه توسط طرفین ترکیب می‌شوند. این راه‌حل در عمل، به روش‌های متنوعی قابل اجراست. یک روش این است که ارجاع به اطلاعات محرمانه در لوایح کتبی و استشهادهای شهود به صورت کلی بلامانع است؛ اما بر روی صفحاتی که اطلاعات محرمانه در آن درج شده، عبارت محرمانه باید درج گردد. رویکرد دیگر، بایگانی دو نوع متفاوت از لوایح است: یک نسخه که در آن اطلاعات محرمانه پنهان شده و یک نسخه که پنهان نشده است. نسخه اول فقط برای گروه محرمانه که توسط طرفین تعیین گردیده، قابل دسترسی است (Baizeau & Richard 2016, 64).

۴-۵. دخالت اشخاص ثالث

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان عدم ارائه اطلاعات محرمانه، اهمیت این اطلاعات در فرایند رسیدگی داوری است. در واقع، در تمامی روش‌های قبل، دسترسی افراد مختلف به اطلاعات محرمانه به دلیل لزوم بررسی مدارک مذکور جهت تضمین رسیدگی عادلانه در داوری توجیه می‌گردید، زیرا در بسیاری از موارد اتخاذ تصمیم در خصوص ماهیت دعوا، بدون آگاهی از این اطلاعات میسر نیست اما مشکل در جایی است که اعتماد حداقلی به افراد دخیل در فرایند داوری از جمله داوران، کارمندان دفتری،

طرفین دعوا و مشاوران حقوقی آنها وجود ندارد و از طرفی بیشتر راهکارهای مورد بحث در خصوص پیشگیری از افشای اطلاعات محرمانه از طریق اشخاص مذکور راه‌حلی ارائه نمی‌دهند. یکی از راه‌های حل این مسئله دخالت اشخاص ثالث در فرایند داوری است تا اشخاص مذکور اطلاعات محرمانه را بررسی کرده و بر اساس این اطلاعات در خصوص موضوعات خاص پرونده تصمیم‌گیری نمایند یا نظر خود را ارائه دهند. مزیت این روش بر روش‌های قبل در این است که اولاً اشخاص دخیل در پرونده هیچ دسترسی به اطلاعات محرمانه نخواهند داشت، ثانیاً مرجع داوری از مفاد این اطلاعات محرمانه که ممکن است در نتیجه پرونده مؤثر باشند، محروم نخواهد گردید، ثالثاً به بیان برخی نویسندگان مانند Baizeau & Richard (2016, 65 & 66) در صورت عدم دسترسی طرف مقابل به اطلاعات محرمانه، حق دفاع وی مختل نمی‌گردد، زیرا طرف مقابل می‌تواند جواب سؤالات مورد نظر خود را از فرد ثالث منتخب دریافت نماید.

چند مسئله در خصوص استفاده از این راهکار باید لحاظ شود. ابتدا، ضرورت دارد طرفین دعوا بر انجام چنین راهکاری توافق نمایند، زیرا ممکن است دیوان جهت حفظ محرمانگی اطلاعات، باعث دسترسی فرد ثالث به این اطلاعات بشود و خود این موضوع، منجر به افشای اطلاعات محرمانه توسط همان فرد ثالث گردد. همچنین، باید توجه داشت که استفاده از این راهکار به صورت مضیق و استثنائی باشد، زیرا اصولاً داور، فرد ثالث بی‌طرف محسوب می‌شود و جهت بررسی اطلاعات محرمانه و اتخاذ تصمیم بر اساس آن اطلاعات، داور مناسب‌ترین گزینه است؛ چرا که افزون بر بی‌طرف و مستقل بودن داور، مرجعی به اطلاعات محرمانه دسترسی پیدا می‌کند که خود بر اساس آن اطلاعات باید تصمیم‌گیری نماید.

در مجموع، به نظر می‌رسد که صرفاً در این فروض، استفاده از فرد ثالث قابل توجیه است: ۱- زمانی که داور تخصص لازم برای بررسی اطلاعات محرمانه را ندارد، و ۲- زمانی که طرفین داوری یا یکی از طرفین با توجه به شرایط خاص پرونده و جهت جلوگیری از تأثیر اطلاعات موضوع اسناد و مدارک محرمانه بر تصمیم‌نهایی داور یا عدم اعتماد به وی ترجیح می‌دهند که فقط محرمانه بودن یا سؤالات خاص مربوط به پرونده حاضر توسط فرد ثالث بی‌طرف بررسی گردد و گزارش آن به داور ارائه شود و تمامی مدارک و مستندات محرمانه توسط داور مورد بررسی قرار نگیرد (Baizeau & Richard 2016, 65-66). دو راهکار اصلی دخالت ثالث در فرایند داوری جهت اجتناب از افشای اطلاعات محرمانه،

استفاده از «مشاور محرمانگی»^۱ و «فرد ثالث بی طرف و متخصص»^۲ است. تفاوت اصلی دو روش مذکور در این است که مشاور محرمانگی صرفاً در خصوص محرمانه بودن یا نبودن اطلاعات اظهار نظر می نماید، اما فرد ثالث بی طرف و مستقل افزون بر اعلام نظر خود در خصوص محرمانه بودن یا نبودن مستندات، به سؤالات دیوان داوری یا طرفین دعوا در خصوص مفاد مدارک ارائه شده نیز پاسخ می دهد.

گاهی طرح ایراد محرمانه بودن توسط یکی از طرفین تبدیل به موضوعی اثرگذار در نتیجه اصلی دعوا می گردد که تصمیم گیری در خصوص وارد بودن یا نبودن ایراد مذکور به راحتی و با بررسی مستندات توسط مرجع داوری امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین، جهت رفع مشکل مذکور و جلوگیری از تأثیرپذیری مرجع داوری از ماهیت و اطلاعات موجود در سند بهتر است که فرد ثالث یا مشاور، اسناد مورد اختلاف را بررسی نماید. مشاور محرمانگی سپس می تواند نظر خود را در خصوص محرمانه بودن اسناد ارائه دهد و حتی در صورت محرمانه دانستن اسناد مذکور، راهکارهای متناسب را جهت حفاظت از اسناد محرمانه طی فرایند داوری معرفی نماید (Baizeau & Richard 2016, 66). امکان استفاده از مشاور محرمانگی در بند «د» ماده ۵۴ مقررات داوری «سازمان جهانی مالکیت فکری» و بند ۸ ماده ۳ مقررات «کانون و کلای بین المللی» پیش بینی شده است.

رویکرد فوق که مورد استقبال دکتترین نیز قرار گرفته است، مزیت های متعددی دارد. مشاور با توجه به تخصص و مهارت خاص خود از لحاظ مسائل فنی جهت بررسی اسناد انتخاب می شود و حتی ممکن است از مرجع داوری دارای مهارت و تخصص بیشتری باشد. به ویژه زمانی که محرمانه بودن سند یا اطلاعات مذکور در آن قطعی نباشد و یا میزان یا نحوه حفاظت از اطلاعات محرمانه یا طریقه اجرای راهکارهای متناسب مورد بحث است، نقش فرد ثالث مؤثرتر می گردد (Baizeau & Richard 2016, 66-67).

جدا از مشکل بالا بودن هزینه های مالی این روش، استفاده از این راهکار باعث اعطای قدرت تصمیم گیری بالا به مشاور محرمانگی خواهد شد، در حالی که مطابق مقررات داوری «کانون و کلای بین المللی»، مشاور محرمانگی حتی کارشناس منصوب دادگاه نیز محسوب نمی گردد. به همین دلیل، مقررات داوری «سازمان جهانی مالکیت فکری» و مقررات «کانون و کلای بین المللی» استفاده از این روش را در صورتی که فرد

1. confidentiality advisor

2. third party neutrals

ثالث صرفاً به داور کمک کند و داور حکم نهایی را صادر نماید، مجاز می‌دانند. حتی اگر پذیرفته شود که مشاور محرمانگی هیچ قدرت تصمیم‌گیری ندارد و دیوان رأی را صادر می‌نماید، باز هم مشکلاتی باقی می‌ماند. در برخی موارد، فرایند تعیین محرمانه بودن اطلاعات مستلزم اتخاذ تصمیم است. بنابراین، توصیه می‌شود که برای رفع هرگونه تردید، حیطه اختیارات و مسئولیت‌های مشاور قبلاً به صورت مفصل، همانند اختیارات مرجع داوری در توافق طرفین مبنی بر ارجاع به داوری ذکر گردد. افزون بر این، بهتر است که طرفین در خصوص شخص مشاور به صورت صریح توافق نمایند (Baizeau & Richard 2016, 67-68).

در برخی موارد، شاید نیاز باشد که نقش فرد ثالث گسترده‌تر از صرف اعلام محرمانه بودن یا نبودن اطلاعات موجود در پرونده باشد و در این فرض، دیگر فرد ثالث نقش صرفاً یک مشاور را نداشته و مطابق مقررات داوری نقش گسترده‌تری با عنوان فرد ثالث بی‌طرف را خواهد داشت. در این راهکار، فرد ثالث دو اقدام اصلی را انجام می‌دهد:

- ۱- ایفای نقش داور یا طرفین در خصوص جمع‌آوری اطلاعات و مدارکی که فقط از اطلاعات محرمانه قابل احراز است، ۲- ارائه گزارش در پاسخ به سؤالات خاص مطرح شده توسط طرفین یا مرجع داوری. این راه‌حل در بند e ماده ۵۴ مقررات داوری «سازمان جهانی مالکیت فکری» پیش‌بینی شده است. فرد ثالث بی‌طرف، بایستی در ابتدای شروع اقدامات خود در خصوص شرایط و قواعد مربوط به محرمانگی با طرفین دعوا مذاکره کرده و رضایت آن‌ها را جلب نماید. اگر فرد ثالث بی‌طرف وکیل باشد نباید از اطلاعاتی که از این طریق کسب می‌نماید، بر علیه هیچ‌یک از طرفین دعوا استفاده کند، مگر در صورتی که اطلاعات به صورت عمومی افشا شده باشد یا طرفین بر آن توافق کرده باشند؛ زیرا به هر حال، فرد ثالث بی‌طرف به اطلاعات محرمانه (مثل وضعیت مالی، ارتباطات، برنامه‌های آینده و سایر موارد) دسترسی پیدا می‌کند و امکان دارد این اطلاعات را بر علیه یکی از طرفین استفاده نماید. البته، برخی معتقدند در مواردی خاص عدم افشای اطلاعات با وظیفه اصلی و کلا جهت حفظ عدالت مغایرت دارد و وکیل می‌تواند حسب وظیفه خود برخی اطلاعات را افشا سازد (Parker, Le Mire & Mackay 2017, 1048) که البته، این گونه موارد نیز بسیار مضیق بوده و نیاز به اثبات توسط وکیل قبل از افشای اطلاعات دارد.

با توجه به این که راهکارهای فوق‌الذکر در هیچ مقرراتی دیده نمی‌شوند، به نظر می‌رسد جهت این که راهکارهای مذکور عملاً قابل اجرا باشند، اولاً، توافق طرفین داوری

ضرورت دارد و ثانیاً، توافق طرفین داوری با داوران اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌کند. شاید برخی از داوران در صورت محدودیت دسترسی ایشان به ادله و مستندات، حاضر به پذیرش سمت داوری در پرونده مورد نظر نباشند. همچنین، ممکن است برخی از داوران محدود کردن دسترسی و کلای طرفین و سایر اشخاص دخیل به اطلاعات محرمانه را نپذیرند و این امر را خلاف اصول شخصی خود در زمینه مدیریت جریان داوری و تنظیم فرایند داوری تلقی کنند. به همین لحاظ با توجه به خلأ مقررات قانونی، نقش قرارنامه داوری در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. قرارنامه داوری به‌عنوان یک سند سه‌طرفه میان طرفین داوری و داور باید حاوی تمامی راهکارهای عملی فوق‌الذکر به‌عنوان شروط و مواد مندرج در آن باشد تا اولاً، این راهکارها قابل اجرا باشند، ثانیاً اجرای آن‌ها توسط داور یا داوران الزام‌آور شود، و ثالثاً اجرای آن‌ها مورد اعتراض طرفین در جریان داوری یا پس از صدور رأی داوری یا در مرحله شناسایی و اجرا قرار نگیرد. در عین حال که تنظیم قرارنامه داوری مشتمل بر راهکارهای عملی فوق‌الذکر ضرورت دارد، اما باید توجه داشت هنگامی که فرایند داوری آغاز شود، از آنجا که رابطه بین طرفین دعوا در مقطع مذکور رابطه‌ای دوستانه نیست، احتمال وجود فضای تفاهم و همکاری بسیار اندک است و نمی‌توان به انعقاد یک قرارنامه داوری با درج راهکارهای فوق‌الذکر اطمینان داشت. به‌عبارت دیگر، حتی اگر بتوان داورانی پیدا کرد که محدودیت‌های فوق‌الذکر را در قرارنامه داوری مورد پذیرش و تعهد قرار دهند، معلوم نیست که طرف مقابل دعوا به راهکارهای مذکور تن دهد؛ چرا که ممکن است ذینفع محرمانگی صرفاً یکی از طرفین دعوا باشد. به‌عنوان مثال، در جایی که یکی از طرفین دعوا صرفاً استحقاق دریافت وجه دارد و طرف دیگر ذی‌نفع حفظ اسرار تجاری، اطلاعات فنی و فرمول‌های منحصربه‌فرد خود است، یکی از طرفین هیچ انگیزه و اهمیتی برای حفظ محرمانگی در داوری از خود نشان نمی‌دهد و در هنگام بروز اختلاف، طبیعی است که برای درج شروط محرمانگی مشتمل بر راهکارهای کاربردی فوق‌الذکر همکاری نکند. به این جهت توصیه می‌شود در قراردادهایی که اسرار تجاری، اسرار صنعتی، فرمول‌های منحصربه‌فرد و امثال آن، به‌ناچار درج می‌شوند، در همان قرارداد اولیه و نیز در شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی، راهکارهای کاربردی فوق‌الذکر درج شود تا حفظ محرمانگی منوط به احتمالات و گمانه‌زنی‌های مربوط به مرحله تنظیم قرارنامه داوری نباشد. به‌عبارت دیگر، قرارنامه داوری توافقی است که در شرایطی تنظیم می‌شود که طرفین در وضعیت اختلاف و تخاصم و تقابل قرار دارند، در

حالی که قرارداد اولیه و اصلی و شرط داوری اولیه در مقطع زمانی منعقد می‌شود که طرفین در شرایط تفاهم و دارای انگیزه برای شکل‌گیری یک رابطه تجاری برد-برد هستند و بنابراین، درج راهکارهای عملی فوق‌الذکر در مقطع مزبور احتمال بسیار بیشتری دارد. در نتیجه، درج راهکارهای مذکور در شرط داوری نسبت به موکول کردن به احتمال درج در قراردادنامه داوری بسیار به احتیاط نزدیک‌تر است. در این صورت در مرحله قراردادنامه داوری آنچه که باقی می‌ماند یافتن داورانی است که به محدودیت‌های فوق‌الذکر تراضی نمایند، زیرا طرفین دعوا از قبل تراضی مقتضی را انجام داده‌اند.

۶. راهکارهای مانع افشای اطلاعات محرمانه در رأی داوری

از آنجا که رأی داوری حاوی اطلاعات مهمی در خصوص موضوع دعوا و مرادوات طرفین داوری است، باید از عدم افشای اطلاعات محرمانه به وسیله آن اطمینان حاصل نمود. ممکن است در مرحله ارائه اطلاعات محرمانه توسط طرفین دعوا به داور، افشای اطلاعات محرمانه رخ ندهد، ولی داور به صورتی رأی داوری را صادر کند که باعث افشای اطلاعات مذکور گردد. چند مسئله مهم در خصوص ذکر اطلاعات محرمانه در رأی داوری وجود دارد که باید لحاظ شود. گاهی ممکن است عدم ذکر اطلاعات مهم در رأی داوری باعث عدم امکان اجرای رأی مذکور گردد و یا در فرایند اعتراض به رأی داوری دادگاه نتواند استدلال‌های داور را به‌طور کامل درک نماید. همچنین، رأی داوری به‌عنوان یک عنصر حقوقی از جهت ایجاد رویه و توسعه علم حقوق منبعی ارزشمند است که حذف بسیاری از اطلاعات باعث عدم فهم این آراء می‌گردد. این است که باید میان مصالح مذکور و لزوم حفظ اطلاعات محرمانه تعادلی ایجاد نمود. بدین جهت روش‌هایی پیشنهاد گردیده است: «صدور دو رأی داوری متفاوت از لحاظ وجود یا فقدان اطلاعات محرمانه»، «اکتفای داور به صدور یک رأی فاقد اطلاعات محرمانه» و «عدم انتشار رأی داوری».

۶-۱. صدور دو رأی داوری متفاوت از لحاظ وجود یا فقدان اطلاعات محرمانه

در این روش داور ابتدا رأی را به صورت غیرمحرمانه و با ذکر تمامی اطلاعات محرمانه صادر می‌نماید و به طرفین دعوی و افراد مشخص شده توسط ایشان ارائه می‌کند، اما ممکن است اشخاص دیگری نیز نیاز به دریافت رأی صادره داشته باشند که در این صورت داور متعاقباً رأی صادره را با حذف اطلاعات محرمانه به این افراد تحویل می‌دهد

(Bernet & Gottlieb 2016, 88-89). به نظر می‌رسد که چنین روشی کمتر مورد اقبال طرفین دعوی داور قرار گیرد، زیرا اولاً، نمی‌توان عدم افشای اطلاعات محرمانه در این روش را تضمین نمود؛ چون به هر حال، نسخه‌ای از رأی با احتمال بر اطلاعات محرمانه صادر گردیده و امکان دسترسی سایر اشخاص به آن وجود دارد؛ ثانیاً، در صورت وجود اطلاعات محرمانه در رأی صادره در برخی موارد توجیهی برای تمایل یکی از طرفین دعوا به استفاده از روش مذکور وجود ندارد، زیرا هر یک از اصحاب دعوی که به دنبال حفظ اطلاعات محرمانه است، مطمئناً از مفاد اطلاعات مذکور مطلع است و دلیلی ندارد با تجویز صدور چنین رأیی اطلاعات خود را در معرض افشا قرار دهد و به احتمال زیاد ترجیح می‌دهد نسخه‌ای از رأی داور که دارای اطلاعات محرمانه است، به هیچ عنوان ارائه نشود.

۶-۲. اکتفای داور به صدور یک رأی فاقد اطلاعات محرمانه

می‌توان جهت جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه، رأی داور را بدون استناد به ادله صادر نمود و صرفاً نتیجه رأی داور ذکر شود. به عنوان مثال، در پرونده «فایرمنز فوند در مقابل مکزیک»^۱ مقرر شد که اطلاعات یا اسناد محرمانه در رأی منعکس نشود (Schreuer & etc. 2009, 837). بنابراین، در برخی شرایط بهترین راه برای حفاظت از اطلاعات محرمانه چشم‌پوشی از بحث مفصل در خصوص ادعاها و استنادهای مربوط به اطلاعات مذکور است (Bernet & Gottlieb 2016, 89).

نویسندگان حقوقی مزیت‌ها و معایب این روش را به شرح زیر عنوان نموده‌اند: موافقان استفاده از روش مذکور بیان داشته‌اند که مؤثرترین راه برای طرفین جهت جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه، توافق بر صدور رأی به صورت غیرمستند به ادله است؛ زیرا در رأی صادره هیچ اطلاعات محرمانه‌ای درج نمی‌گردد (Lo 2012, 154-155). برخی پژوهشگران مانند Carbonneau (1985, 599) و Zekos (2008, 162) معتقدند وقتی داور مجبور نباشد دلایل خود را به صورت مشروح بیان دارد، رأی داور را سریع‌تر و حتی ارزان‌تر صادر می‌نماید. همچنین، در مقابل استدلال برخی نویسندگان که صدور رأی فاقد استناد به ادله را باعث ایجاد مشکل در فرایند اعتراض و اجرای داور می‌داند، باید بیان داشت که بسیاری از آرای داور با توجه به توافق طرفین قطعی محسوب می‌شوند و

1. Fireman's Fund v. Mexico

نظارت قضایی بر آن‌ها حذف می‌شود. در مقام مخالفت با صدور رأی داوری فاقد استناد به ادله، برخی صاحب‌نظران مانند «مجبی» (۱۳۷۶، ۶۹) بیان می‌دارند که لزوم استناد به ادله در رأی داوری، یکی از ویژگی‌های مهم داوری تجاری بین‌المللی است. در زمانی که رأی داوری متکی بر چندین استناد مستقل است که یکی از این استنادها محرمانه نیست و می‌تواند در رأی ذکر گردد، رویکرد فوق فاقد مشکل است، اما اگر رأی به‌طور کامل متکی بر استنادهای مرتبط به اطلاعات محرمانه باشد، عدم ذکر آن‌ها موجب مشکلاتی خواهد گردید (Bernet & Gottlieb 2016, 90). در صورت اعتراض به رأی داوری فاقد استناد به ادله، امکان موفقیت اعتراض به شدت کاهش می‌یابد (Lo 2012, 154-155). به همین دلیل است که در برخی از مقررات داوری مثل ماده ۳۰ قواعد «دیوان داوری بین‌المللی لندن»^۱ افشای رأی داوری با ذکر تمامی استندهای آن نزد دادگاه یا دیگر مراجع قانونی جهت اعتراض به آن، قانونی و فاقد اشکال تلقی شده است.

افزون بر این، بررسی استندهای رأی توسط دکتترین باعث پیشرفت حقوق داوری خواهد گردید (Schreuer & etc 2009, 836; Carbonneau 1985, 600) و عدم ذکر استناد در آرای داوری باعث عدم تأثیر آرای مزبور در توسعه علم حقوق می‌شود (Kurkela 2010, 28; Zekos 2008, 138). به همین دلیل برخی نویسندگان مانند Cremades & Cortes (2013, 33-34)، استفاده از این روش را باعث تأیید اشتباهات داور و افزایش بی‌عدالتی دانسته و معتقدند در این شرایط، نظارتی بر رعایت اصول دادرسی صورت نمی‌گیرد. همچنین، در صورت امکان بررسی استندهای مذکور در رأی داوری اعتماد به داوری افزایش می‌یابد، زیرا دسترسی به تصمیمات سابق، افراد را متقاعد می‌کند که فرایند داوری عادلانه و منطقی است و به‌علاوه به طرفین این امکان را می‌دهد تا با بررسی تصمیم‌های قبلی میزان شانس خود را در دعوای آتی متوجه شوند و داوران نیز به‌طور عام از آرای سابق استفاده می‌کنند (Schreuer & etc. 2009, 838-839).

با توجه به مراتب فوق بهتر است طرفین از مزیت حفاظت کامل از اطلاعات محرمانه توسط رأی فاقد استناد چشم‌پوشی کنند، زیرا مشکلات زیادی در اعتراض و اجرای چنین رأیی وجود خواهد داشت. آرای داوری به‌طور معمول، به‌صورت خودبه‌خود اجرا نمی‌شوند و نیاز به اجرا توسط دادگاه‌ها دارند (Zekos 2008, 162). برخی مانند Resnick

1. London Court of International Arbitration (LCLA)

(2006, 569) بیان می‌دارند که اجرای رأی داوری فاقد استناد توسط دادگاه امکان‌پذیر نیست و در نتیجه، وفق اعتقاد برخی نویسندگان مانند (Zekos 2008, 297) افشای استنادات رأی داوری جهت اجرا یا اعتراض به آن از استثنائات رعایت محرمانگی رأی داوری است. افزون بر این، صدور چنین رأیی (رأی فاقد استنادات)، امکان احراز تقصیر یا جانبداری داور را منتفی می‌سازد. بنابراین، نباید الزام به حفظ محرمانگی در داوری از کشف تقصیر افراد دخیل در فرایند داوری جلوگیری کند و نباید در مواردی که احتمال سوء استفاده افزایش می‌یابد، محرمانگی به صورت مطلق اجرا شود (Lo 2012, 155; Weston 2001, 645). به نظر می‌رسد که به جای صدور رأی فاقد استناد، صدور رأی داوری با استناد به اطلاعات غیرمحرمانه روش مناسب‌تری باشد. در این روش رازهای تجاری و اطلاعات حساس و محرمانه حذف می‌شوند و بر خلاف روش صدور رأی بدون استناد، تقصیر احتمالی داوران مشخص می‌گردد و امکان اعتراض به رأی و اجرای آن وجود دارد (Lo 2012, 155; Weston 2001, 645; Zekos 2008, 516; Bernet & Gottlieb 2016, 89). به عنوان مثال، در پرونده^۱ «سازمان اقتصادی، سیاسی و توسعه محور شهر مسکو در برابر شرکت تراست بانک‌داران»^۱ صرفاً خلاصه استنادهای رأی داوری ذکر گردید و در پرونده^۲ «بیمه حاسنه»^۲ یکی از استثنائات رعایت اصل محرمانگی در داوری، استدلال حکمی رأی عنوان گردید، زیرا با توجه به مشخص نمودن حقوق و تعهدات طرفین توسط استدلال‌های حکمی، رعایت محرمانگی در خصوص این استدلال‌ها الزامی نیست (Zekos 2008, 444; Robb 2004, 19). در قوانین داوری ایران (ماده^۳ ۴۸۲ قانون آئین دادرسی مدنی و بند ۲ ماده^{۳۰} قانون داوری تجاری بین‌المللی) به صراحت به لزوم وجود دلایل در رأی داوری اشاره شده و نمی‌توان انتظار اجرای رأی داوری فاقد دلیل را در نظام حقوقی ایران داشت. در نتیجه، این روش در داوری‌های داخلی ایران قابل اعمال نبوده و در داوری‌های تجاری بین‌المللی تنها در صورت توافق طرفین می‌توان از روش صدور رأی فاقد دلیل جهت حفظ محرمانگی استفاده نمود. در مقابل در متن کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی (کنوانسیون نیویورک)^۳ هیچ اشاره‌ای به لزوم ذکر دلایل در رأی داوری نشده است. به نظر می‌رسد که به‌رغم این که محرمانگی در داوری به‌عنوان یک اصل معرفی

1. Department of Economics, Policy & Development of the City of Moscow v Bankers Trust Company

2. Hassneh Insurance

3. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York Convention) 1958.

شده و در تألیفات، مقررات، قواعد و قوانین مختلف به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی داوری ذکر گردیده، اما چالش اساسی در زمینه ضمانت اجراست. همچنان که در مقررات قانون آئین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی و مأخذ اقتباس آن - «قانون نمونه داوری آنسیترال» - ملاحظه می‌شود تنظیم‌کنندگان مقررات مذکور عملاً با تأکید بر ذکر ادله در رأی داوری، ضمانت اجرای حفظ محرمانگی در رأی داوری را تا حد زیادی منتفی نموده‌اند. زمانی می‌توان به ویژگی محرمانگی به‌عنوان یک ممیزه شاخص و ممتاز داوری نسبت به سایر طرق حل اختلاف تأکید نمود که در مقررات راجع به اعتراض به رأی داوری و شناسایی و اجرای رأی داوری به اقتضای محرمانگی تغییرات مناسب لحاظ شود. تا زمانی که رأی فاقد مستندات یا دارای نقص مستندات از نظر مقررات اعتراض به رأی داوری، در معرض ابطال باشد یا از نظر مقررات شناسایی و اجرای داوری از حمایت اجرایی محروم گردد، آنچه که در مورد ویژگی‌های محرمانگی و ضرورت آن بیان می‌شود، در میدان عمل به‌صورت شاخص و کاربردی ظهور و بروز نخواهد یافت. به‌عنوان نمونه، بر اساس بند ۱ ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی با عطف به ماده ۴۸۲ این قانون، چنانچه رأی داور از نظر بیان ادله نقضی داشته باشد و مدلل نباشد، به‌راحتی می‌تواند به همین دلیل، در معرض ابطال و عدم اجرا قرار گیرد. از سوی دیگر، بر اساس قسمت اخیر بند «و» ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی، چنانچه بدون توافق طرفین، رأی بدون ذکر دلایل یا با نقص در بیان ادله صادر شود، به‌راحتی می‌تواند با ابطال یا عدم شناسایی و اجرا مواجه شود. از سوی دیگر، اگر چه کنوانسیون نیویورک اشاره مستقیم به ذکر ادله در رأی داوری نداشته است، اما بر اساس پاراگراف «د» بند ۱ ماده ۵ معاهده مذکور، عدم رعایت حق دفاع دادباخته رأی داوری از جهات ابطال رأی داوری است. شایان ذکر است هنگامی که رأی داوری با ادله کامل صادر گردد، هیچ‌کدام از طرفین نمی‌توانند ادعا کنند که ادله مورد بررسی قرار نگرفته است، زیرا متن رأی داوری به شایستگی نشان خواهد داد که در فرض صدور رأی با ادله کامل، حق دفاع طرفین رعایت گردیده، تمام ادله طرفین در متن بررسی و استماع شده و با لحاظ ادله کامل طرفین رأی صادر شده است. اما هنگامی که رأی داوری به جهاتی از جمله رعایت محرمانگی فاقد تمام یا بخشی از ادله باشد، زمینه ابطال چنین رأیی بر اساس مقررات مذکور فراهم است. همین مطلب در مورد قانون ماده واحده الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی نیز مطرح است، زیرا قانون مذکور عمدتاً

ترجمه کنوانسیون بوده و حاوی ملاحظه مذکور در ماده ۵ است. به نظر می‌رسد چه در عرصه داخلی و چه در عرصه قواعد فراملی داوری، تنظیم‌کنندگان مقررات اعتراض به رأی داوری و شناسایی و اجرای آن، قواعد مذکور را متناسب با ویژگی محرمانگی تنظیم نکرده‌اند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مقررات راجع به اعتراض به رأی داوری و شناسایی و اجرای آن عمدتاً از آن دسته از آرای داوری حمایت می‌کنند که محرمانگی را رعایت نکرده باشند و اگر رأی داوری با ملاحظه محرمانگی، بدون بیان ادله یا با نقص در ذکر ادله تنظیم شده باشد، در معرض ابطال و عدم شناسایی و اجرا قرار خواهد گرفت. در نهایت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زمانی محرمانگی در داوری از یک آرمان به یک واقعیت ملموس و یک مزیت عملی قابل اتکا تبدیل خواهد شد که مقررات راجع به اعتراض به رأی داوری و شناسایی و اجرای آن در قوانین و قواعد مختلف تغییرات مقتضی را پیدا کنند. در حال حاضر، و تا قبل از اعمال این تغییرات، آنچه که پیشنهاد می‌گردد آن است که فعالان عرصه داوری با درج ملاحظات محرمانگی در شرط یا قرارنامه داوری، در همان ابتدای فرایند، حدود رعایت محرمانگی را در رأی داوری تعیین کنند تا در مقام اعتراض به رأی داوری و شناسایی و اجرای آن، مفاد قرارنامه داوری، جایگزین کم‌توجهی قوانین و مقررات به قاعده محرمانگی باشد و از ابطال و یا عدم شناسایی و اجرای رأی داوری جلوگیری کند.

۳-۶. عدم انتشار رأی داوری

به‌جای حذف اطلاعات محرمانه رأی داوری به روش‌های سابق‌الذکر، می‌توان با عدم انتشار رأی داوری علاوه بر حفظ محرمانه بودن اطلاعات موجود در پرونده، ایرادهای وارد به روش‌های سابق را نیز برطرف نمود. رأی داوری بیشتر به صورت عمومی منتشر نمی‌گردد و عموماً در اولین جلسه رسیدگی نظر طرفین دعوا در خصوص انتشار رأی اخذ می‌گردد (Schreuer & etc 2009, 835). با این حال، در مقررات مختلف می‌توان موضع‌گیری‌های متعددی را در خصوص انتشار رأی داوری مشاهده نمود. در برخی مقررات مثل بند ۵ ماده ۳۴ «قواعد داوری آنسیترال» و بند ۴ ماده ۴۸ «قواعد داوری ایکسید»^۱ تصریح شده است که رأی داوری بدون اجازه طرفین امکان انتشار را ندارد. در مقابل، در برخی

1. UNCITRAL Arbitration Rules & ICSID Arbitration Rules.

مقررات داوری مثل «اتفاق بازرگانی بین‌المللی»^۱ چنین تصریحی وجود ندارد. حتی در مقررات قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی و «دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا»^۲ بر لزوم انتشار رأی تأکید شده است. در مجموع، به نظر می‌رسد که انتشار رأی داوری استثناست و اکثر قواعد داوری انتشار رأی داوری را بدون رضایت طرفین لازم نمی‌دانند (Malanczuk 2008, 191; Onyema 2010, 143; Teitelbaum 2003, 254).

در حقوق ایران قانون‌گذار موضعی در این خصوص اتخاذ ننموده است، اما در ماده ۴ «مقررات مرکز داوری منطقه‌ای تهران» مقرر شده است که: «به‌منظور تشویق و ترویج داوری بین‌المللی، مرکز می‌تواند متن کامل آرا یا گزیده‌ای از آن‌ها را پس از حذف اسامی و هرگونه اطلاعاتی که موجب شناسایی هویت طرف‌ها شود، منتشر نماید». همچنین، «دیوان دعاوی ایران و آمریکا» به‌صورت رسمی تمامی آرای صادره و تصمیمات مهم را منتشر می‌کند. در سایر مراکز داوری ایران مقرره‌ای در خصوص انتشار رأی داوری مشاهده نمی‌شود.

در خصوص انتشار رأی داوری، دعاوی سرمایه‌گذاری و دولتی وضعیتی خاص می‌یابند، زیرا دولت‌ها و شرکت‌های متولی امور عمومی، طرفین دعاوی سرمایه‌گذاری بوده و ضرورت آگاهی عموم افراد جامعه از این‌گونه دعاوی وجود دارد. بنابراین، زمانی که ضرورت تبعیت از یک تعهد قانونی ایجاب می‌کند، طرفین دعوا می‌توانند رأی داوری یا دیگر جنبه‌های رسیدگی داوری را افشا نمایند (Feliciano 2012, 11-12) زیرا به بیان برخی نویسندگان مانند (رضائی ۱۳۹۷، ۲۴۵؛ اسکینی و خاکپور ۱۳۹۸، ۴۹)، در دعاوی سرمایه‌گذاری در مقابل داوری تجاری که اختلاف فی‌مابین اشخاص خصوصی است، منافع عمومی نقش اساسی را داشته و در صورت محکومیت دولت، مبلغ محکومیت از محل خزانه عمومی پرداخت می‌شود. به همین دلیل، حتی طرفین دعوا نیز وفق مقررات مذکور نمی‌توانند مانع انتشار آرای داوری شوند. در مقررات «ایکسید» در بند ۴ ماده ۴۸، این‌گونه مقرر شده است که اصل بر عدم امکان انتشار رأی داوری است، مگر این‌که طرفین بر خلاف آن توافق کرده باشند. البته، به‌طور استثنای «مرکز داوری» امکان انتشار گزیده‌ای از استدلال‌های حکمی رأی را داراست. قواعد شفافیت «آنسیترال»^۳ مصوب سال

1. International Chamber of Commerce

2. North American Free Trade Agreement (NAFTA) & Iran-US Claims Tribunal

3. UNCITRAL Rules on Transparency in Treaty-based Investor-State Arbitration (the "Rules on Transparency")

۲۰۱۳ و کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به شفافیت در داوری مبتنی بر معاهده بین دولت و سرمایه‌گذار^۱ مصوب ۲۰۱۴ مقرر کرده‌اند که آرای صادره در مورد اختلافات دولت‌ها با سرمایه‌گذاران با توجه به احتمال پنهان کردن آن‌ها توسط دولت به‌طور منظم منتشر گردد.

مهم‌ترین استدلال مخالفان انتشار رأی داوری، لزوم عدم افشای اطلاعات محرمانه است، اما در مقابل، موافقان انتشار رأی داوری به بیان همان استدلال‌های مخالفان صدور رأی فاقد استناد می‌پردازند. مهم‌ترین استدلال‌های این نویسندگان عبارت است از: نقش آرای داوری در ایجاد رویه‌های حقوقی به‌دلیل تمایل داوران به استناد به آرای دعاوی مشابه (Curtin 1997, 279; 677; Zekos 2008, 50)؛ در برخی حوزه‌ها دعاوی مربوطه فقط از طریق داوری حل و فصل می‌گردد و در صورتی که آرای داوری منتشر نگردد، هیچ رویه و عرف مشخصی جهت نحوه حل و فصل اختلافات در موضوعات مذکور وجود نخواهد داشت (خزاعی ۱۳۸۸، ۱۲۱، ۱۳۸۸؛ Derains 1981, 45; ۱۳۸۵، 604; Carbonneau 1985)؛ عدم تأثیر در گسترش علم حقوق و نقد و بررسی آرای داوری توسط دکتربین حقوقی (موسوی حرمی ۱۳۸۸، ۸۶؛ رضائی ۱۳۹۷، ۲۴۳)؛ افزایش شفافیت رأی داوری (Malanczuk 2008, 191)، افزایش قابلیت پیش‌بینی‌پذیری داوری و اعتماد عمومی (Gaillard & Savage 1999, 189; Zlatanska 2015, 28)؛ ایجاد امکان بررسی موفقیت در دعوا و رعایت عدالت توسط داور با بررسی آرای سابق وی توسط طرفین دعوا (Oglinda 2015, 60; Wimalasena 2019, 280)؛ ارتباط انتشار رأی داوری با نظم عمومی (Hwang & Lim 2011, 48).

مهم‌ترین استدلال موافقان انتشار رأی داوری، سلب حق اعتراض به رأی داوری از محکوم علیه در صورت عدم انتشار رأی داوری و ارتباط انتشار رأی داوری به نظم عمومی است. با این توضیح که ارائه اطلاعات محرمانه به دادگاه به‌عنوان بخشی از فرایند رسیدگی جزو مواردی است که امکان ندارد در آن به‌دلیل اقتضائات نظم عمومی و حقوق اساسی طرفین دعوا مثل حق دادخواهی، انتظار حفاظت کامل از اطلاعات محرمانه را داشت (Bernet & Gottlieb 2016, 99) و اصل محرمانه بودن نمی‌تواند با جلوگیری از امکان رجوع به دادگاه، آرای داوری و موافقت‌نامه داوری را عقیم بگذارد. برخی موافقان انتشار رأی داوری این مسئله را مرتبط با نظم عمومی دادرسی دانسته و ذیل عنوان «اصل جبران زیان کامل»

1. United Nations Convention on Transparency in Treaty-based Investor-State Arbitration.

به‌عنوان یکی از اصول مسئولیت مدنی به بحث و بررسی آن می‌پردازند. به اعتقاد ایشان در صورتی که تنها با انتشار رأی داوری، جبران کامل زیان رخ می‌دهد، در برخی موارد انتشار رأی داوری با توجه به ترجیح نظم عمومی بر اصل محرمانگی میسر است. در واقع، در این شرایط، انتشار رأی داوری به‌طور مستقل یک ضمانت اجرا بوده و یک شیوه جبران خسارت است (درویشی هویدا ۱۳۹۲، ۵۲؛ خزاعی ۱۳۸۸، ۱۲۰).

پس از بررسی مواضع مقررات مختلف و استدلال مطروحه توسط دکترین حقوقی، در مجموع به نظر می‌رسد که انتشار رأی داوری یک استثناست و تنها در صورت توافق طرفین قابلیت انتشار را دارد. البته، صرف نظر از مواردی که به‌طور خاص الزام به انتشار به رأی داوری وجود دارد، لزوم ایجاد امکان اجرا و اعتراض به رأی داوری اقتضا می‌نماید که در برخی موارد رأی داوری منتشر گردد و چنین امری برای طرفین داوری حتی با عدم وجود الزام قانونی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا به هر حال هدف استفاده از روش داوری، حل و فصل اختلافات است و رأی داوری زمانی می‌تواند اختلاف طرفین را برطرف سازد که ظرفیت اجرا را داشته باشد و از طرفی به دلیل فقدان اطلاعات مهم به راحتی در مرحله اعتراض ابطال نگردد و به همین دلیل یکی از وظایف داور نیز صدور رأی قابل اجراست.

۷. نتیجه

حفظ محرمانگی در فرایند داوری کاری بسیار دشوار و پیچیده است و با توجه به وجود مصالح مختلف و متعارض در هر پرونده داوری، به‌طور طبیعی راهکارهایی که در این خصوص به کار گرفته می‌شوند، نیز متعدد هستند. در آثار پژوهشی موجود در خصوص محرمانگی در داوری، عموماً بر بیان اصل محرمانگی و شرایط مربوط به آن تمرکز شده است، اما نه تنها در منابع فارسی هیچ اثری در خصوص راهکارهای عملی حفاظت از اطلاعات محرمانه وجود ندارد، بلکه در منابع انگلیسی نیز اثر جامعی در خصوص طرق عملی موجود جهت حفظ اطلاعات محرمانه در داوری ارائه نگردیده است. بنابراین، با توجه به خلأ مذکور، در این مقاله چندین راهکار مهم عملی موجود در دکترین و رویه قضایی داوری‌های تجاری بین‌المللی جهت عدم افشای اطلاعات محرمانه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. مسلماً نمی‌توان هیچ کدام از این راه‌حل‌ها را بر دیگری ترجیح داد، زیرا انعطاف‌پذیری مسائل محرمانگی در داوری و نظرات مختلف طرفین داوری اقتضا می‌کند که هر کدام از این راه‌حل‌ها با توجه به وضعیت خاص پرونده مورد استفاده

قرار گیرد و در مجموع، به نظر می‌رسد که استفاده از ترکیبی از این گونه روش‌ها بیشتر می‌تواند مقصود طرفین داوری را در خصوص محرمانگی فراهم سازد. تحدید دسترسی داور به اطلاعات محرمانه از سوی طرفین، صرفاً تا آنجا قابل دفاع خواهد بود که منجر به نقض قواعد رسیدگی عادلانه نگردد و به همین لحاظ، توصیه می‌شود که صرفاً مستندات محرمانه مهم در دسترس داوران یا رئیس هیأت داوران باشد. در این راستا، تنها در صورتی اطلاعات در اختیار داور قرار خواهد گرفت که اولاً، وجود یک ضرورت مهم برای دسترسی به آن اطلاعات و ثانیاً، دشواری امکان دسترسی به چنین اطلاعاتی از سایر طرق اثبات گردد. همچنین، جهت عدم دسترسی اشخاص دیگر جز داور یا داوران، روش مناسب آن است که امکان دسترسی به اطلاعات محرمانه توسط مرجع داوری و کارشناسان پیش‌بینی شود، در موارد خاص و مهم اطلاعات در اختیار و کلا قرار گیرد، و همواره دسترسی طرفین به این اطلاعات محدود گردد. در این روش هم طرفین دعوا به اطلاعات محرمانه دسترسی ندارند و هم مرجع داوری می‌تواند با کمک کارشناسان و وکلای طرفین رسیدگی کامل و دقیقی را نسبت به اطلاعات محرمانه داشته باشد. در صورت اخذ تعهد به رازداری از کارشناسان و وکلای پرونده، با توجه به اعمال مقررات انتظامی در خصوص ایشان، تا حد قابل توجهی می‌توان به عدم افشای اطلاعات محرمانه توسط آن‌ها اطمینان پیدا کرد.

جهت جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه در فرایند داوری، روش استرداد یا از بین بردن اسناد به دلیل امکان اخذ کپی یا وجود نُسخ الکترونیک چندان موثر نیست. سلب یا کمینه‌سازی امکان دستیابی به داده‌های محرمانه نباید حق اساسی طرفین در خصوص برخورداری از رسیدگی عادلانه را تزییع کند و مداخله اشخاص ثالث به‌منظور ممانعت از افشای داده‌های محرمانه صرفاً جنبه استثنایی دارد؛ چرا که علی‌القاعده، داور، خود نوعی شخص ثالث تلقی می‌گردد. عدم اشاره به مستندات حاوی داده‌های محرمانه در رأی داوری نیز صرفاً تا آنجا موجه است که منجر به ایرادات مؤثری در مرحله اعتراض و اجرای رأی داوری نشود. بنابراین، با توجه به عدم حمایت مقررات قانونی از آرای داوری فاقد استدلال به نظر می‌رسد به جای صدور رأی فاقد استناد، صدور رأی داوری با استناد به اطلاعات غیرمحرمانه، روش مناسب‌تری باشد. همچنین باید توجه داشت که انتشار رأی داوری یک استثنا بوده و رأی مزبور تنها در صورت توافق طرفین قابلیت انتشار دارد. در مجموع، تنظیم قراردادی با طرف مقابل، داوران و سایر اشخاص دخیل در داوری

مبتنی بر مسئولیت آن‌ها در صورت افشای اطلاعات محرمانه می‌تواند تا حدی مانع افشای اطلاعات مذکور گردد. اگرچه در این خصوص مشکل عمده‌ای که در فرض افشای اطلاعات محرمانه وجود دارد، اثبات انتساب عمل افشا به شخص یا اشخاص معینی از داوران یا طرف مقابل و وکلای ایشان یا سایر اشخاص دخیل در داوری است؛ به‌خصوص این‌که بسیار بعید است شخصی که بر خلاف تعهدات اخلاقی و حقوقی خود اقدام به افشای اطلاعات محرمانه می‌کند، اقدام مذکور را به‌صورت شفاف با نام و مشخصات خود انجام دهد و معمولاً با تئانی با شخص ثالثی که دخیل در داوری نبوده، افشای مذکور را مرتکب می‌گردد تا انتساب آن به وی غیرممکن یا لاقابل دشوار شود. افزون بر این، استفاده از روش داوری موردی جهت حفظ اطلاعات محرمانه مناسب‌تر است، زیرا در داوری سازمانی به‌دلیل دسترسی کارمندان دفتری و سایر افراد مرتبط با سازمان مذکور به اطلاعات محرمانه امکان افشای این اطلاعات بیشتر خواهد بود.

تمامی راهکارهای مذکور در این مقاله، صرفاً تکنیک‌هایی هستند که رافع خلأهای مقررات در این زمینه باشند و در عین حال، راه‌حل اساسی آن است که قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان قواعد داوری به‌جای درج مواد بسیار کوتاه و مختصر در زمینه رعایت محرمانگی، به‌صورت جدی و تفصیلی، فروض مختلف را در مقررات مذکور درج نمایند تا داوری این مزیت خود را به‌صورت زنده و واقعی نشان دهد. در واقع، ملاحظه قوانین و مقررات سایر نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که محرمانگی بیش از آنکه قاعده‌ای دارای حدود و ثغور مشخص باشد، آرمان داوری است که در تألیفات بر ضرورت آن تأکید شده است؛ بدون آنکه مقررات لازم‌الاجرا، روش‌های حفظ آن را در ضمانت اجراهای داوری ذکر نمایند. در حقوق ایران هیچ‌گونه مقرره‌ای در خصوص محرمانگی در داوری مشاهده نمی‌گردد و به قانون‌گذار پیشنهاد می‌گردد با پرداختن به این اصل مهم در داوری‌ها، از ابهامات آن بکاهد. البته، با توجه به ماهیت نهاد داوری، طرفین می‌توانند در موافقتنامه داوری خود یا وفق توافق مستقل یا در قرارنامه داوری، اصل محرمانگی و راهکارهای آن را بر دعوای داوری خود اعمال نمایند و بدین ترتیب، توافق طرفین جایگزین خلأهای قانونی در این خصوص گردد.

فهرست منابع

- اسدی نژاد، سید محمد و سید مجتبی مهدوی فر. ۱۳۹۱. محرمانه بودن داوری در تجارت بین‌المللی و مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل* ۲ (۶): ۱۱۱-۱۵۰.
- اسکینی، ربیعا، و احد خاکپور. ۱۳۹۸. تعارض بین اصل شفافیت و محرمانگی در داوری‌های بین‌المللی. *دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۸۶: ۴۵-۶۴.
- تقی‌پور، بهرام. ۱۳۹۱. محرمانه بودن داوری تجاری بین‌الملل. *مجله حقوق خصوصی* ۱۰ (۲): ۳۱۳-۳۴۷.
- جنیدی، لعیا. ۱۳۷۸. *قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی*. تهران: نشر دادگستر.
- خادم رضوی، قاسم و پوریا راستگو خیاوی. ۱۳۹۹. جایگاه محرمانگی در داوری مربوط به اختلافات سرمایه‌گذاری. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۲۵ (۹۲): ۱۰۷-۱۲۷.
- خزاعی، حسین. ۱۳۸۸. خصوصی و محرمانه بودن داوری در حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی* ۳۹ (۳): ۱۰۵-۱۲۴.
- درویشی هویدا، یوسف. ۱۳۹۲. اصل محرمانه بودن در شیوه‌های جایگزین حل اختلاف. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۶۲: ۳۹-۶۲.
- رضائی، علی. ۱۳۹۷. تحلیل قواعد شفافیت آنسیترال در داوری‌های سرمایه‌گذاری. *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۸: ۲۳۹-۲۷۲.
- شیروی، عبدالحسین. ۱۳۹۱. *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: سمت.
- محبی، محسن. ۱۳۷۶. داوری تجاری بین‌المللی، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۱: ۴۳-۷۰.
- مهری، علی، و علیرضا مشهدی‌زاده. ۱۳۹۹. بررسی تطبیقی فرایند محرمانگی داوری و استثنائات قاعده. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی* ۱۱ (۴۳): ۲۳۷-۲۶۲.
- نیکبخت، حمیدرضا. ۱۳۹۰. *داوری تجاری بین‌المللی آئین داوری*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

References

- Baizeau, D. & J. Richard. 2016. Addressing The Issue Of Confidentiality In Arbitration Proceedings How Is This Done In Practice. *Swiss arbitration association* 43: 53-78.
- Baldwin C. S. 1996. Protecting Confidential and Proprietary Commercial Information in International Arbitration. . *Texas International Law Journal* 31: 451-485.
- Bernet, M. & B. Gottlieb. 2016. Confidential & restricted data in award how do arbitrators draft awards without breaching confidentiality or restrictions? *Swiss arbitration association* 43: 79-93.
- Carbonneau T. E. 1985. Rendering Arbitral Awards with Reasons: The Elaboration of a Common Law of International Transactions. *Columbia Journal of Transnational Law* 23: 579-614.
- Cook, T., & A. Garcia. 2010. *International Intellectual Property Arbitration*. New York: Kluwer Law International.

- Cremades, B. M. & Rodrigo Cortes. 2013. The Principle of Confidentiality in Arbitration: A Necessary Crisis. *Journal of Arbitration Studies* 23 (3): 25-38.
- Curtin, K. 1997. Redefining Public Policy in International Arbitration of M&atory National Laws”, *Defense Counsel Journal* 64: 271-279.
- Derains, Y. 1981. New Trends in the Practical Application of the ICC Rules of Arbitration, *Northwestern Journal of International Law & Business* 3: 39-55.
- 2009 ._____. Evidence & Confidentiality”. *Icc International Court Of Arbitration Bulletin*. Special Supplement.
- Feliciano F. 2012. The Order Public Dimensions of Confidentiality & Transparency in International Arbitration: Examining Confidentiality in the Light of Governance Requirements in International Investment & Trade Arbitration. *Philippine Law Journal* 1: 87-102.
- Gaillard, E. & J. Savage. 1999. *International Commercial Arbitration*. New York: Kluwer Law International.
- Henkel, C. 2012. The Work-Product Doctrine as a Means toward a Judicially Enforceable Duty of Confidentiality in International Commercial Arbitration. *North Carolina Journal of International Law* 37: 1059.
- Hwang M. & Lim K. 2011. Corruption in Arbitration Law & Reality. *The Herbert Smith-SMU Asian Arbitration Lecture Singapore* 8 (1):1-83.
- Kurkela, M. 2010. *Due Process in International Commercial Arbitration*. Second Edition. London: Oxford University Press.
- Lo, Alex. 2012. Too Much Privacy for Repeat Players The Problem of Confidentiality Clauses & a Possible Solution. *Contemporary Asia Arbitration Journal* 5 (1): 149-63.
- Malanczuk, P. 2008. “Confidentiality & Third-Party Participation in Arbitration Proceedings under Bilateral Investment Treaties”. *Contemporary Asia arbitration journal* 1: 183.
- Noussia, K. 2010. *Confidentiality in International Commercial Arbitration A Comparative Analysis of the Position under English, US, German & French Law*. Berlin: Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Oglinda, Bazil. 2015. The Principle of Confidentiality in Arbitration: Application & Limitations of The Principle *Persps. Perspectives of Law and Public Administration* 4: 57.
- Onyema, E. 2010. *International Commercial Arbitration & the Arbitrator's Contract*. London: Routledge.
- Parker, C., S. Le Mire, & A. Mackay. 2017. Confidentiality and Whistleblowing: Lessons from the McCabe Tobacco Litigation. *Melbourne University Law Review* 40: 999-1056.
- Poorooye, A. & R. Feehily. 2017. Confidentiality & Transparency in International Commercial Arbitration: Finding the Right Balance, *Harvard Negotiation Law Review* 24 (2): 275-325.
- Redfern, A. & M. Hunter. 2004. *Law & Practice of International Commercial Arbitration*. 4th edition. London: Sweet & Maxwell.
- Resnick, J. 2006. Uncovering, Disclosing, & Discovering How the Public Dimensions of Court- Based Processes Are At Risk *Chicago-Kent Law Review* 81: 521-569.
- Robb, Adam. 2004. Confidentiality & Arbitration”. *Essex Street* 39. Available at: <http://www.essex.com>. (accessed Jan. 4, 2021)
- Schreuer, C., L. Malintoppi, A. Reinisch & Anthony Sinclair. 2009. *The Icsid Convention: A Commentary on the Convention on the Settlement of Investment Disputes between States & Nationals of Other States*. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Teitelbaum R. 2003. Privacy, Confidentiality & Third Party Participation: Recent Developments in NAFTA. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals & Tribunals* 2: 249.
- Waincymer, J. 2012. *Procedure & Evidence in International Arbitration*, New York: Kluwer Law International.

- Weinstein, J. & C. Wimberly. 2001. Secrecy in Law & Science, *Cardozo Law Review* 23 (1): 1-32.
- Weston, M. 2001. Checks on Participant Conducut in Compulsory ADR: Reconciling the Tension in the Need for Good-Faith Participation, Autonomy, & Confidentiality *Indiana Law Journal* 76: 591.
- Wimalasena, P. 2019. The Publication of Arbitral Awards as a Contribution to Legal Development – A Plea for more Transparency in International Commercial Arbitration. *ASA Bulletin* 37 (2): 279-288.
- Yeung, T. 1995. Discovery of Confidential Peer Review Materials in Title VII Actions for Unlawful Denial of Tenure: A Case against Redactio.. *UC Davis School of Law Law Review* 29: 167.
- Zekos, G. 2008. *International Commercial & Marine Arbitration*. London: Routledge.
- Zlatanska, E. 2015. To Publish, or Not to Publish Arbitral Awards: That is the Question... (February 1, 2015). *International Journal of Arbitration, Mediation & Dispute Management* 1: 25-37.

رضا معبودی نیشابوری

متولد سال ۱۳۵۶ و دارای مدرک تحصیلی دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی تهران است. ایشان هم‌اکنون استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد است.

حوزه‌های مربوط به حقوق خصوصی از قبیل حقوق رقابت و مسائل مربوط به حقوق حل و فصل اختلافات از قبیل حل اختلاف برخط، داوری و میانجی‌گری از جمله علایق پژوهشی وی است.



سید علی‌رضا رضائی

متولد سال ۱۳۷۱ و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد است.

حوزه‌های مربوط به حقوق حل و فصل اختلافات از قبیل حل اختلاف برخط، داوری و میانجی‌گری از جمله علایق پژوهشی وی است.

